

خبر کوتاه

مقام معظم رهبری در پیامی به مناسبت دومین سالگرد شهدای پرواز اردیبهشت ۱۴۰۳: گره‌کشایی از دغدغه‌های اقتصادی و معیشتی مهم‌ترین وظیفه مسئولان

آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب، در پیامی به مناسبت گرامیداشت سالگرد شهدای پرواز اردیبهشت، مسئولیت‌پذیری و مردمی بودن را از جمله ویژگی‌های بارز سیدابراهیم رئیسی برشمردند و با اشاره به بار تکلیف سنگین مسئولان جمهوری اسلامی در برابر حماسه‌آفرینی‌های اخیر ملت مقاوم ایران، تأکید کردند: امروز شکر نعمت انسجام ملت و دولت و تمام دستگاه‌های جمهوری اسلامی، در تقویت انگیزه و خدمت مضاعف و مجاهدانه مسئولان و گره‌کشایی از مسائل و دغدغه‌های مردم خصوصا در عرصه اقتصادی و معیشتی است. متن پیام رهبر جمهوری اسلامی ایران به این شرح است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم، گرامیداشت شهدای پرواز اردیبهشت و در رأس آنان رئیس جمهور شهید حجت‌الاسلام‌والمسلمین رئیسی، یادآور شهادت خیل شهیدان خدمتگزار در جمهوری اسلامی ایران است؛ از مطهری و بهشتی و رنجانی و باهنر، تا رئیسی و آل‌هاشم و امیرعبداللهیان و لاریجانی، صدها شخصیت برجسته و تربیت‌یافته مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز اعلی‌الله مقامهماالشرفین که دفتر خدمت خالصانه و مجاهدانه مسئولان جمهوری اسلامی را با امضاء خونین خود مزین کردند. از زمره ویژگی‌های بارز شهید رئیسی، مسئولیت‌پذیری، جوان‌گرایی، توجه به عدالت، دیپلماسی فعال و نافع و بخصوص مردمی بودن را می‌توان برشمرد. این خصوصیات موجب دلگرم‌شدن دوستان ایران از تمام مجاهدان جبهه قدرتمند مقاومت و بسیاری از دلسوزان نظام می‌شد. این همه البته با معنویت‌که ریشه در عمق جان او داشت، آمیخته بود. در رابطه بین مسئولین و مردم، خصوصیات مثبت تأثیرگذار، موجب قدرانی متقابل می‌شود. این‌گونه بود که بدرقه او تا جوار می‌لوا و مخدومش حضرت ابی‌الحسن‌الرضا صلوات‌الله و سلامه علیه با شکوه کم‌نظری صورت گرفت. دوران ناتمام ریاست‌جمهوری آن شهید، مقیاسی از تلاش و دلسوزی برای ملت و کشور در عین حفظ استقلال آن را فراهم ساخت. اینک ما در برابر حماسه‌آفرینی‌های ملت ایران در مقاومت منحصربه‌فرد تاریخی مقابل دوارتش تروریست جهانی هستیم. این امر، بار تکلیف مسئولان جمهوری اسلامی -از رهبری و رؤسای قوا تا همه سطوح مدیران- را سنگین‌تر از گذشته می‌کند. امروز شکر نعمت انسجام ملت و دولت و تمامی دستگاه‌های جمهوری اسلامی، از تقویت انگیزه و خدمت مضاعف و مجاهدانه مسئولان، گره‌کشایی از مسائل و دغدغه‌های مردم خصوصا در عرصه اقتصادی و معیشتی، خصوص‌های میدانی و مستقیم و تعریف نقش جدی برای مردم بعثت‌یافته در مسیر پیشرفت کشور و حرکت امیدوارانه به سوی آینده روشن است. رحمت و رضوان الهی بر شهیدان راه خدمت و نصرت الهی و دعای سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف پشوتانه خدمتگزاران به مردم مسلمان ایران باد.»

منابع خبری از سفر مجدد وزیر کشور پاکستان به ایران خبر دادند میانجی همچنان مسافرتهران

منابع خبری از سفر مجدد وزیر کشور پاکستان به ایران خبری دومین بار در کمتر از یک هفته خبر دادند، به گزارش از الحدث، منابع خبری از سفر مجدد وزیر کشور پاکستان در روز گذشته به ایران خبر دادند. بر این اساس ستاور «سیدمحسن رضا نقوی»، وزیر کشور پاکستان، برای دیدار با مسئولان جمهوری اسلامی ایران، برای دومین بار در کمتر از یک هفته وارد تهران شده است. وی روزهای گذشته در تهران با رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، رئیس مجلس شورای اسلامی و همچنین وزیر کشور دیدار کرد. در همین حال «انصار عباسی»، روزنامه‌نگار مشهور پاکستانی که نزدیک به تشکیلات قدرتمند نظامی این کشور است، طی پیامی در شبکه اجتماعی ایکس مدعی شد مذاکرات ایران و آمریکا از طریق پاکستان در مرحله حساسی قرار دارد.

واکنش نمایندگی ایران در سازمان ملل به سوءاستفاده آمریکا از تریبون شورای امنیت

نمایندگی ایران در سازمان ملل در نیویورک با اشاره به ادعاهای اخیر ایالات متحده درباره برنامه هسته‌ای ایران در پیامی در شبکه‌های اجتماعی ایکس نوشت: «آمریکا تنها کشوری در تاریخ است که از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کرده و خود مسئول حملات علیه تاسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز تحت پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هدف قرارآردن غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی است.» دفتر نمایندگی هیئت ایران در سازمان ملل همچنین در پیام خود در ایکس نوشت: «آمریکا همچنان از طریق محاصره‌های دریایی غیرقانونی و حمایت بی‌دریغ از جنایات و فرجام‌رژیم اسرائیل در سراسر منطقه، به نقض قوانین بین‌المللی ادامه می‌دهد و بار دیگر با انتشار دروغ، اتهامات و اطلاعات نادرست علیه ایران و برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز آن و با ادعای بدبینانه صلح و امنیت بین‌المللی یا آزادی دریانوردی، از تریبون شورای امنیت سازمان ملل سوءاستفاده کرد.» این نمایندگی همچنین نوشت: «در واقع، مجرم و دزد اکنون نقش دادستان و قاضی را بازی می‌کند و سعی در تطهیر جنایات خود دارد.»

عضو کمیسیون امنیت ملی تشریح کرد تأثیر محدودشدن اختیارات جنگی ترامپ بر روند جنگ با ایران

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت که محدودکردن اختیارات جنگی ترامپ علیه ایران بر روند جنگ با ایران و در مذاکرات تأثیرگذار خواهد بود. فداحسین مالکی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به کلید‌خوردن طرح سنای برای محدودکردن اختیارات جنگی ترامپ علیه ایران گفت: از مدت‌ها قبل بحران سیاسی دام‌گیر‌کاخ سفید شده که علت آن تصمیمات متناقض ترامپ درباره جنگ و مذاکرات است؛ تصمیماتی که بدون اطلاع ارکان سیاسی آمریکا از جمله کنگره و سایر مراکز قدرت اتخاذ شده است. وی ادامه داد: نخستین گام مخالفان ترامپ، محدودکردن اختیارات او است؛ چراکه اگر این کار صورت نگیرد، قطعاً حیثیت سیاسی آمریکا به‌شدت زیر سؤال خواهد رفت. گام بعدی این است که فکری اساسی برای ادامه‌ فعالیت سیاسی ترامپ و آینده شود. این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس یادآور شد: در تاریخ آمریکا چنین فرازوتنشیب‌هایی مسبوق به سابقه بوده و هر زمان احساس شده رئیس‌جمهور این کشور، آمریکا را به سمت مسیر غیرقانونی سوق می‌دهد، با او برخورد کرده‌اند. مالکی ادامه داد: از طرف دیگر، شکست‌های پی‌درپی نظامی و حتی شکست در میز مذاکره که مسبب آن ترامپ بود، بی‌سابقه بوده است. البته آمریکا در جنگ ویتنام، افغانستان و برخی نقاط دیگر نیز شکست خورده بود اما این شکست مثل جنگ ایران نبود. وی اضافه کرد: شکستی که آمریکا در جنوب اصفهان، دریا و هوا و آن هم از سوی جمهوری اسلامی ایران متحمل شد، بحرانی جدی در تصمیم‌گیری آمریکا ایجاد کرده است، لذا اقدام اخیر سنای برای محدودکردن اختیارات جنگی ترامپ علیه ایران تصمیم درستی بود. مالکی همچنین با اشاره به رفتارهای رئیس‌جمهور آمریکا اظهار کرد: به تعبیر رئیس اتحادیه اروپا، ترامپ می‌خواهد دنیا را با توپیت اداره کند و هر لحظه هم یک توپیت می‌زند. جالب اینجاست که گاهی توپیت جدیدش، توپیت قبلی‌اش را نقض می‌کند. مجموعه این مسائل باعث شد چنین تصمیمی علیه او اتخاذ شود. این اقدام قطعا هم در روند جنگ با ایران و هم در مذاکرات تأثیرگذار خواهد بود.

دیپلماسی همیشه نخستین راه برای جلوگیری از بحران و آخرین مسیر برای پایان‌دادن به جنگ‌ها بوده است. حتی پس از آغاز درگیری‌های نظامی نیز این مذاکره و گفت‌وگو است که می‌تواند مسیر بارگشت به ثبات را هموار کند. اکنون اما پس از ۴۰ روز جنگ و در حالی که آتش‌بس اورا در چهل‌وچهارمین روز خود شده است، فضای منطقه بیش از گذشته پیچیده و مبهم به نظر می‌رسد. امیدهای اولیه به فعال‌شدن مسیر دیپلماسی و کاهش تنش‌ها، به تدریج جای خود را به بی‌اعتمادی، تهدیدهای متقابل و ابهام درباره آینده مذاکرات داده است. منطقه اکنون در وضعیتی معلق قرار دارد؛ نه جنگ کاملاً پایان یافته و نه دیپلماسی به نتیجه‌ای پایدار رسیده است. با این حال، همچنان هیچ جایگزین کم‌هزینه‌تر و مؤثرتری جز دیپلماسی برای عبور از بحران وجود ندارد. از این‌رو، بررسی و ارزیابی عملکرد سیاست خارجی کشور در دوران آتش‌بس، به یکی از مهم‌ترین موضوعات فضای سیاسی و دیپلماتیک تبدیل شده است؛ دورانی که هم‌زمان با ندادم تهدیدها و پیچیدندشدن معادلات منطقه‌ای، دستگاه دیپلماسی نیز با آزمونی دشوار مواجه بوده است. در همین چارچوب و طی گفت‌وگویی با ساسان کریمی، عضو هیئت علمی دانشسکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، ابصاد مختلف عملکرد سیاست‌ساز خارجی ایران در این مقطع حساس را بررسی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

●●●
ک بسیاری معتقدند وضعیت کنونی ایران میان انتخاب یک صلح یا توافق تحمیلی با یک جنگ تحمیلی قرار گرفته است. آیا شما این تشبیه را درست می‌دانید؟

خیر، لزوما چنین نیست. این مسئله تا حد زیادی به نحوه عملکرد خود ما بستگی دارد. طبیعتاً از طرف مقابل که دشمن تلقی می‌شود، نمی‌توان انتظار خیرخواهی برای ایران داشت. آن کسی که باید رفتار و عملکردش را در راستای حد‌کنترل‌سازی و بهینه‌سازی منافع ملی تنظیم کند، خود ما هستیم؛ از حاکمیت تا نخبگان، مردم و همه کنگشگران جامعه. بنابراین بخش مهمی از این موضوع به ابتکارهای ما بازمی‌گردد؛ چه در عرصه دیپلماسی، چه در حوزه دیپلماسی عمومی و چه در زمینه مقاومت و میدان؛ خلاصه در همه عرصه‌ها باید به نحوی عمل کرد که ما در دوگانه تحمیلی صلح یا جنگ تحمیلی دشمن قرار نگیریم.

ک چنین پتانسیلی را داریم؟

حتماً. ولی بسیاری ازجمله خود شما پیش‌تر در گفت‌وگوهایی که در همین روزنامه «شرق» داشته‌ایم بر این موضوع تأکید کردید که دیپلماسی، راه اول و آخر است و حتی اگر جنگی هم رخ دهد، باز هم دیپلماسی می‌تواند نجات‌بخش باشد. اما اکنون در شرایطی قرار گرفته‌ایم که روند دیپلماسی فرسایشی‌تر شده و امیدها نسبت به آن کم‌رنگ شده است. آیا همچنان باید به دیپلماسی امیدوار بود؟

ببینید، دیپلماسی هم در نهایت یک ابزار است. هر ابزاری که برای کاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های نسبی خود را دارد. همان‌طور که از ابزار نظامی نیز انتظار مطلق وجود ندارد و مثلاً گفته می‌شود برد این موشک تا این اندازه است و آن یکی تا اندازه‌ای دیگر، دیپلماسی هم همین‌گونه است.

دیپلماسی هم سیاست‌ساز نیست، بلکه ابزاری است که در جهت توان، ابتکار و امکانات، در سطوح مختلف و توسط نهادهای گوناگون عمل می‌کند و طبیعتاً احتمال موفقیت آن نیز صد درصد نیست. با این حال، باید بیشترین تلاش ممکن را برای استفاده از این ابزار، به کار گرفت. چه برای جلوگیری از وقوع جنگ و چه پس از وقوع آن، دیپلماسی همواره کارکرد خود را دارد و در این مسئله تردیدی نیست. آنچه من همواره بر آن تأکید می‌کنم این است که نباید دیپلماسی را به یک تابو تبدیل کرد. اگر دیپلماسی به تابو تبدیل شود، دیگر مشخص نیست کشور با چه سرنوشتی مواجه خواهد شد.

ک الان دیپلماسی تابو شده‌است؟

متأسفانه برخوردهایی که با نفس و اصل مذاکره می‌شود، مؤید این موضوع است. در حالی که دیپلماسی تابو نیست؛ زیرا قرار نیست امور دیپلماتیک کشور را افراد بیگانه انجام دهند. همان‌گونه‌که نظامیان مورد اعتماد کشور هستند، دیپلمات‌ها نیز صد مورد اعتمادند و می‌توانند مذاکره کنند، چه از طریق دیپلمات‌های وزارت امور خارجه و چه از سوی سایر مقامات سیاسی.

ک موفقیت‌هم شرط‌است؟

باید مشخص کنیم اساساً

«توفیق» را چگونه تعریف می‌کنیم. موفقیت در دیپلماسی امری نسبی است و باید براساس احتمالات و شرایط سنجیده شود. اکنون نیز ما در میانه مسیر مذاکرات قرار داریم و هنوز نمی‌توان با قطعیت گفت این روند موفق بوده یا ناموفق. اما به هر میزان که فعالیت دیپلماتیک در سه جبهه تقویت‌شود، امکان موفقیت دیپلماسی نیز افزایش می‌یابد. نخستین جبهه، دیپلماسی عمومی است؛ حوزه‌ای که استادان دانشگاه،تحلیلگران،نخبگان و گروه‌های مرجع اجتماعی در آن نقش دارند. البته دیپلماسی عمومی در وزارت امور خارجه نهادهین شده است، اما به‌طور کلی همه نخبگان جامعه باید در تصویرسازی از ایران، مقاومت، همستگی ملی و مسائل مختلف کشور در عرصه جهانی نقش ایفا کنند. سطح دوم، دیپلماسی رسمی و مذاکرات تخصصی است؛ یعنی جایی که گروهی از دیپلمات‌ها درباره موضوعاتی همچون جنگ، پرونده هسته‌ای یا سایر مسائل مذاکره می‌کنند. این مذاکرات ممکن است به ریاست معاون وزیر امور خارجه، شخص وزیر یا حتی رئیس مجلس انجام شود. این سطح بیش از هر چیز نیازمند ابتکار عمل است. به نظر من، در دیپلماسی عالی کشور دو مسئله نیازمند تقویت جدی است؛ نخست، طراحی قوی‌تر و دوم، بازی خوانی دقیق‌تر در اتناق مذاکره. علاوه بر این، دیپلماسی نیازمند حمایت گسترده‌تری است؛ هم در ترکیب تیم‌های مذاکره‌کننده که به اعتقاد من باید متشکل از متخصصان و نمایندگان طیف‌های مختلف سیاست داخلی باشد و هم در سطح افکار عمومی، رسانه‌ها، نخبگان و کل نظام سیاسی. تیم مذاکره‌کننده باید با اختیار و اقتدار کامل وارد مذاکره شود.

ارزیابی کارنامه سیاست خارجی کشور در دوران آتش‌بس در گفت‌وگو با ساسان کریمی

۴۴ روز تعلیق

احتمال وقوع یک جنگ محدود اما شدید را نمی‌توان نادیده گرفت

عبدالرحمن فتح‌الهی

«توفیق» را چگونه تعریف می‌کنیم. موفقیت در دیپلماسی امری نسبی است و باید براساس احتمالات و شرایط سنجیده شود. اکنون نیز ما در میانه مسیر مذاکرات قرار داریم و هنوز نمی‌توان با قطعیت گفت این روند موفق بوده یا ناموفق. اما به هر میزان که فعالیت دیپلماتیک در سه جبهه تقویت‌شود، امکان موفقیت دیپلماسی نیز افزایش می‌یابد. نخستین جبهه، دیپلماسی عمومی است؛ حوزه‌ای که استادان دانشگاه،تحلیلگران،نخبگان و گروه‌های مرجع اجتماعی در آن نقش دارند. البته دیپلماسی عمومی در وزارت امور خارجه نهادهین شده است، اما به‌طور کلی همه نخبگان جامعه باید در تصویرسازی از ایران، مقاومت، همستگی ملی و مسائل مختلف کشور در عرصه جهانی نقش ایفا کنند. سطح دوم، دیپلماسی رسمی و مذاکرات تخصصی است؛ یعنی جایی که گروهی از دیپلمات‌ها درباره موضوعاتی همچون جنگ، پرونده هسته‌ای یا سایر مسائل مذاکره می‌کنند. این مذاکرات ممکن است به ریاست معاون وزیر امور خارجه، شخص وزیر یا حتی رئیس مجلس انجام کنند. البته برخی از آنها از هر چیز نیازمند ابتکار عمل است. به نظر من، در دیپلماسی عالی کشور دو مسئله نیازمند تقویت جدی است؛ نخست، طراحی قوی‌تر و دوم، بازی خوانی دقیق‌تر در اتناق مذاکره. علاوه بر این، دیپلماسی نیازمند حمایت گسترده‌تری است؛ هم در ترکیب تیم‌های مذاکره‌کننده که به اعتقاد من باید متشکل از متخصصان و نمایندگان طیف‌های مختلف سیاست داخلی باشد و هم در سطح افکار عمومی، رسانه‌ها، نخبگان و کل نظام سیاسی. تیم مذاکره‌کننده باید با اختیار و اقتدار کامل وارد مذاکره شود. سومین لایه دیپلماسی نیز نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور هستند؛ سفارتخانه‌ها و سایر نمایندگی‌ها که می‌توانند بسیاری فعالیت‌تر از سفارتخانه‌ها داشته باشند. برخی از آنها فعال هستند؛ برای مثال نمایندگی ایران در اسپانیا عملکرد قابل توجهی دارد، اما بسیاری دیگر به‌ویژه در منطقه می‌توانند بسیار پویاتر باشند. در شرایط فعلی، نمایندگی‌های ما باید شبانه‌روز فعال باشند. گاهی می‌بینم برخی استادان دانشگاه، مانند حسن احمدیان، به اندازه سفیرن سفیر فعالیت و اثرگذاری دارند. در حالی که بسیاری از چندین سفارتخانه‌ها ما را مصاحبه‌ای انجام می‌دهند، نه نشست و برنامه‌ای برگزار می‌کنند و نه حضور رسانه‌ای قابل توجهی دارند. البته ممکن است در پشت صحنه رایزنی‌ها و مذاکراتی انجام دهند، اما دست‌کم نمود و اثری از آن در فضای عمومی دیده نمی‌شود؛ چه از نزدیکی و چه در رسانه‌ها. از این‌رو شبکه نمایندگی‌های ایران باید بسیار فعال‌تر از وضعیت فعلی عمل کند. البته این کار دشوار است، اما ذات مسئولیت دیپلماتیک نیز همین دشواری‌هاست. هیچ سفیری مأمور نشده که کار آسانی انجام دهد، بلکه وظیفه آنها انجام کارهای دشوار و پیچیده است.

ک حتی با این سه سطح از دیپلماسی که عنوان کردید، باز تعیین مسیر دیپلماسی جای دیگری لنگ می‌زند. برخی در داخل معتقدند تا پیروزی قطعی باید پیش رفت؛ هرچند زیاده‌خواهی‌های ترامپ و مسائل دیگر هم سیاست خارجی را به وضعیت بن‌بست یا شبه‌بن‌بست کنونی رسانده است.

ببینید، ابتدا باید روشن کنیم که منظورمان از «پیروزی» چیست؟ اگر پیروزی را در معنای کلاسیک آن در نظر بگیریم، واقعیت این است که طرف مقابل ما به هیچ‌یک از اهداف اعلام‌شده تعیین‌شده خود نرسیده است؛ اهدافی همچون تغییر نظام سیاسی، تغییر مرزها، تجزیه سرزمینی، فرار مسئولان، شورش عمومی یا فروپاشی کشور. هیچ‌یک از این اتفاقات رخ نداد. بنابراین، در عرصه بق و حفظ موجودیت کشور، ما قطعا پیروز بوده‌ایم. البته این به آن معنا نیست که ما، به تعبیر اغراق‌آمیز، «استخوان‌های طرف مقابل را در وا‌شکنید خرد کرده‌ایم». اساساً نه چنین پروزه‌ای داشته‌ایم، نه چنین هدفی تعریف شده بود و نه ضرورتی برای چنین ادبایی وجود دارد. زیست‌کردن در این فضاهای اغراق‌آلود می‌تواند دستاوردهای واقعی و عینی ما را به ضد خود تبدیل کند.

ما باید از یک سو مقتدر و مطمئن به خود باشیم و از سوی دیگر، واقع‌بین باقی بمانیم. اتفاقاً واقع‌بینی در اینجا نقطه ضعف نیست، بلکه واقعیت موجود، خود به اندازه کافی ارزشمند و امیدبخش است. اینکه کشوری اجازه نهد انسجام و تمامیتش از مبد یباشد، خود یک موفقیت بزرگ و افتخارآفرین است و نیازی به اغراق ندارد. همین واقعیت، به اندازه کافی مایه غرور، شور و امید است. مشکل از جایی آغاز می‌شود که سطح مطالبات، به‌ویژه در فضای عمومی و خیابانی، بیش از اندازه بالا برده نشود؛ چراکه این مسئله کار را برای دیپلمات‌ها و مسئولان دشوارتر می‌کند.

به همین دلیل، من توصیه نمی‌کنم که تصور کنیم حتماً باید دستاوردی بسیار فراتر از این حاصل می‌شد. ما قرار بود از کشور دفاع کنیم و به نظر من این دفاع به بهترین شکل ممکن انجام شد؛ هرچند هزینه‌ها و خسارت‌هایی نیز پرداخت شد، اما ایستادگی با رشادت صورت گرفت. اکنون زمان آن است که این دستاورد عینی در عرصه دیپلماتیک تثبیت شود و با نوعی هوشمندی و ذکاوت سیاسی-دیپلماتیک، شرایطی طراحی شود که هم تهدیدها دفع شوند و هم طرف مقابل احساس کند از مسیر مذاکره چیزی به دست آورده است؛ در عین حال که ما نیز به منافع مورد نظر خود برسیم. اگر تصور کنیم در هر مذاکره‌ای باید «همه چیز» را بگیریم و «هیچ چیز» ندهیم، چنین چیزی اساساً در عالم سیاست و در میان انسان‌ها ممکن نیست. حتی اگربرق‌ترا نیز در مذاکره با کشورهای ضعیف‌تر نمی‌توانند چنین رویکردی داشته باشند، چه رسد به مذاکره میان قدرت‌های بزرگ. بنابراین، اساساً قرار هم نیست چنین اتفاقی رخ دهد. به نظر من، اگر مفهوم پیروزی را

به‌درستی تعریف نکنیم، ممکن است خودمان، ناخواسته، پیروزی واقعی خود را شکست بنامیم. یعنی با یک معیار اشتباه، دستاورد مهمی را که حاصل شده، وارونه تفسیر کنیم. در عین حال، باید این واقعیت را نیز درک کرد که بازیگران متعددی وجود دارند که خیرخواه ما نیستند. در آمریکا نیز برخی افراد، دونالد ترامپ را تحقیر یا تحریک کرده و به او القا می‌کنند که «نتوانسته» به اهداف خود برسد. این رفتارها نه از سر خیرخواهی نسبت به ماست و نه حتی از سر انصاف؛ هدفشان تحریک او به استفاده از سطوح بالاتری از تنش و ابزارهای سخت‌تر است. بنابراین، ما نباید در چنین دام‌هایی گرفتار شویم؛ نه در تعریفی‌ها و نه در ادبیات جرج‌خوانانه‌ای که ممکن خودمان راایی می‌دهیم و نه در ادبیات جرج‌خوانانه‌ای که ممکن است برای دیگران به کار ببریم. انسان مقتدر و پیروز، نیازی به اغراق و رجزخوانی ندارد.

ک در حالی که یک ساختار سیاسی کلاسیک باید اهداف مشخص‌تری برای پیروزی تعریف کند، آیا قرائتان از وضع موجود، نکاهی چریکی است یا یک تحلیل مبتنی بر واقعیت؟

ما که آغازگر جنگ یا تهاجم نبوده‌ایم و قدرتی نبودیم که بجواییم حمله کنیم، وظیفه ما دفاع از کشور بوده است. اگر ما آغازکننده یک عملیات تهاجمی بودیم، آن‌گاه می‌شد درباره تحقق یا عدم تحقق اهداف خودمان بحث کرد. اما در اینجا مسئله متفاوت است. طرف مقابل، اهداف مشخص و اعلام‌شده‌ای داشت. این اهداف را خود آنها نیز کردند؛ از تغییر نظام سیاسی گرفته تا تغییر مرزهای ایران، ایجاد شورش داخلی، فرار مسئولان، فروپاشی کشور و حتی بازگرداندن ایران به وضعیت بحرانی و ازهم‌گسیخته. اما هیچ‌یک از این اتفاقات رخ نداد. بنابراین، سخن من این نیست که این وضعیت «حداکثر مطلوب ما» بوده است، بلکه می‌گویم طرف مقابل به اهداف تعیین‌شده خود نرسیده و از این منظر شکست خورده است. ما که قرار نبوده و نیست وا‌شکنین‌تر از تصرف کنیم با اقدامی فراتر از دفاع از کشور انجام دهیم. مأموریم ما این‌س بود که در برابر یک تهاجم خارجی، با رشادت از کشور دفاع کنیم. طبیعی است که چنین شرایطی کشته می‌شود، خسارت مادی متحمل می‌شویم و هزینه پرداخت می‌کنیم؛ اما اصل مسئله این است که باید دفاع می‌کنیم و کار دیگری جز این امکان‌پذیر نبود. ماهیت دفاع نیز روشن است؛ دفاع یعنی حفظ موجودیت، دفع متجاوز و صیانت از کشور. بنابراین، اگر کسی قصد کشتن شما را داشته باشد و شما بتوانید جان خود را حفظ کنید، این قطعا یک دستاورد محسوب می‌شود. در شرایط عادی، زنده‌ماندن دستاورد ویژه‌ای تلقی نمی‌شود، اما وقتی موجودیت شما هدف قرار گرفته، طبیعی است که حفظ آن به یک موفقیت تبدیل شود. این مسئله صرفاً به ادبیات چریکی محدود نیست. هر کشوری که در معرض تهاجم قرار بگیرد، اگر بتواند از فروپاشی و نابودی جلوگیری کند، دستاورد مهمی داشته است؛ به‌ویژه در شرایطی که کشوری با حجم گسترده‌ای از فشار و حمله مواجه شده‌د، آن‌هم از سوی بازیگرانی مانند آمریکا و اسرائیل، همراه با ترور رهبران و فشارهای چندلایه. در چنین وضعیتی، اینکه کشوری بتواند انسجام خود را حفظ کند و دچار فروپاشی نشود، موضوع کوچکی نیست.

ک اتفاقاً مسئله همین جاست که اگر دوباره جنگی رخ دهد و همان سناریویی که اشاره کردید ادامه پیدا کند، مثلاً حمله به زیرساخت‌های انرژی، سدها، صنایع خودروسازی و سایر اهدافی که اسرائیلی‌ها از آن سخن گفته‌اند، آیا شرایط برای ما سخت نخواهد شد؟

نکته شما درست است، ولی ببینید، تصمیم‌گیری درباره اینکه طرف مقابل چگونه بکند یا نکند، در اختیار ما نیست. آنچه در اختیار ماست، انجام حداکثر تلاش برای ایجاد بازدارندگی سیاسی و دیپلماتیک است؛ بازدارندگی‌ای که به نظر من می‌تواند بسیار مؤثر باشد و حتی از منظر دیپلماتیک می‌توان توضیح داد چرا چنین ظرفیتی وجود دارد. اگر با وجود این تلاش‌ها حمله‌ای صورت بگیرد، طبیعتاً ما نیز به دفاع از کشور ادامه خواهیم داد. واقعیت تلخ، همین است که هر کشوری در معرض خسارت قرار می‌گیرد. امیدوارولی کار به جایی نرسد که زیرساخت‌های حیاتی هدف قرار گیرند، اما در هر حال ممکن است ما نیز ابزارهایی برای پاسخ و جبران داشته باشیم. با این حال، مسئله اصلی اکنون این نیست؛ مسئله اصلی، تلاش حداکثری برای جلوگیری از وقوع چنین وضعیتی است. اینجاست که ابتکار دیپلماتیک اهمیت پیدا می‌کند. منظور من از ابتکار دیپلماتیک این است که بدون تسلیم‌شدن و واگذاری امتیازات اساسی، بتوان راهکاری طراحی کرد که اساساً آغاز جنگ را برای طرف مقابل بی‌فایده یا پرهزینه کند. بازدارندگی دقیقاً همین معنا را دارد؛ یعنی با هزینه حمله را بالا برده یا فایده آن را برای طرف مقابل کاهش دهد، به‌گونه‌ای که حمله دیگر برای او ارزش نداشته باشد. این بازدارندگی می‌تواند در حوزه سیاسی و دیپلماتیک بسیار قدرتمند عمل کند. ما در دوره نخست ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ چنین تجربه‌ای را داشتیم.

در آن مقطع، از طریق دیپلماسی توانستیم اروپا، بخش بزرگی از جامعه جهانی، سازمان ملل متحد و حتی ۱۳ عضو شورای امنیت در مقابل سیاست‌های آمریکا همراه کنیم. همچنین بیش از صد کشور در مجمع عمومی سازمان ملل در مواضعی علیه آمریکا با ایران همراه شدند. اینها دستاوردهای مهم دیپلماتیک بود که نه‌بایت به جلوگیری از جنگ انجامید. در همان دوره، با وجود فشارهای شدید اقتصادی، سیاست «فشار حداکثری»، کاهش شدید درآمدهای نفتی و هم‌زمانی با بحران کرونا، کشور هم اداره شد و هم از وقوع جنگ جلوگیری شد. بنابراین امروز نیز چنین امکانی وجود دارد، اما تحقق آن نیازمند ابتکار دیپلماتیک، طراحی هوشمندانه، جسارت سیاسی و اجرای دقیق است.

شرق



ک پرسش من درباره «بازدارندگی دیپلماتیکی» است که شما به آن اشاره داشتید. برخی تحلیل‌ها می‌گویند بسته‌های پیشنهادی ایران که مدام در حال تغییر اولویت‌ها و بازی با واژگان هستند، این هدف طراحی می‌شوند که ذیل طولانی‌ترشدن دوران آتش‌بس جاری در نهایت شرایطی را شکل دهد که بازگشت به جنگ را برای دونالد ترامپ پیچیده‌تر و فرسایشی‌تر کند. آیا اساساً این تحلیل را قبول دارید؟ و اگر پاسخ‌تان بله است، آیا این رویکرد در قالب همان بازدارندگی دیپلماتیکی که اشاره کردید، تعریف می‌شود؟

من واقعا در جریان دقیق جزئیات این بسته‌ها نیستم و اطلاعات کاملی از محتوای آنها ندارم، اما طبیعتاً بخشی از این وضعیت به زیاده‌خواهی‌ها و بهانه‌گیری‌های طرف مقابل بازمی‌گردد؛ همچنین به تأثیرگذاران و القائاتی که از سوی بنیامین نتانیاهو بر ترامپ صورت می‌گیرد. با این حال، به نظر من می‌توان از ویژگی‌های روان‌شناختی شخص ترامپ نیز بهره گرفت و ابتکاری طراحی کرد که ورود به جنگ را برای او دشوارتر کند. به عبارت دیگر، می‌توان شرایطی ایجاد کرد که او بتواند بدون اتکه ما هزینه سنگینی پرداخت کرده باشیم، نوعی «دستاورد» برای خود تعریف کند و آن را در داخل آمریکا و در سطح جهانی به‌گونه‌ای عرضه کند که گویی موفقیتی به دست آورده است. در هر حال، دیپلماسی بدون امتیازآدان و اغراق‌آمیز است؛ اما در ندارد. تکرار صرف همه خواسته‌های هر دو طرف، بدون حرکت به سمت طراحی راه‌حل، بی‌معناست. به نظر من، هنوز فاصله زیادی میان ایران و آمریکا وجود دارد؛ هم در پیام‌هایی که میان دو طرف ردوبدل می‌شود و هم در سطح انتظارات. البته در طرف آمریکایی، حداکثرخواهی کاملاً مشهود است. در طرف ایرانی، دست‌کم تا اینجا چنین حداکثرخواهی‌ها به آن شکل دیده نمی‌شود؛ اما در عین حال، هنوز طراحی‌ای که بتواند با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی ترامپ، هزینه حرکت او به سمت جنگ را بالا ببرد و فایده آن را کاهش دهد، به‌طور کامل شکل نگرفته است.

ک پیش از جنگ ۴۰روزه، گفت‌وگویی با شما داشتم و آن زمان نسبت به مذاکرات ژنو و مسقط بسیار امیدوار بودید. همان موقع هستیند جنگی رخ نمی‌دهد یا معتقدید وقوع جنگ دوباره، تقریباً قطعی است؟

من در آن مصاحبه قبلی که با شما در «شرق» انجام دادم، به قدرت و توان «دیپلماسی» امیدوار بودم، نه لزوماً به روندی که اکنون در حال انجام است. آن زمان به مذاکره و دیپلماسی امید داشتم، نه روند مسقط و ژنو. الان هم امیدوارم به مسیر اسلام‌آباد، چرا؟ چون دیپلماسی ذاتاً می‌تواند مسیرها را باز کند، اما کیفیت عملکرد دو طرف در این مسئله بسیار تعیین‌کننده است؛ هم کیفیت اقدام از سوی ما و هم از سوی طرف مقابل. این نکته کلیدی را هم صادقانه بگویم که من اساساً مذاکره با افرادی مانند آقای ویتکاف و کوشر را چندان مفید یا مناسب نمی‌دانم.

ک چرا؟

چون به نظر من نه جایگاه کافی دارند، نه وجاهت لازم و نه تخصص و اهلیت متناسب با چنین پرونده‌هایی. با این حال، ابتکار دیپلماتیک می‌تواند هم در نحوه طراحی محتوا و هم در ترکیب افراد حاضر در مذاکرات معنا پیدا کند؛ یعنی هم در بسته‌های پیشنهادی و پیام‌هایی که منتقل می‌شود و هم در اینکه چه افرادی، با چه سطحی از تخصص و ارتباط با موضوع، در مذاکرات حضور داشته باشند.

ک شما به‌عنوان معاون یک اندیشکده علوم سیاسی و سیاست خارجی، واقعا جایگاه و میزان اثرگذاری‌تان در حوزه پیشنهاددهی و مشاوره بهتر است؟ چون بسیاری معتقدند دیپلماسی را نگویم در شرایط به بن‌بست رسیدن است، اما احتمال وقوع جنگ هم کم نیست، به‌ویژه با توجه به مواضع و ضرب‌الاجل‌هایی که آقای ترامپ مرتب مطرح می‌کند.

ما در حوزه تخصصی خودمان گاهی بنا بر درخواست نهادها مشاوره می‌دهیم و گاهی نیز خودمان پیشنهادهایی ارائه می‌کنیم. اینکه این پیشنهادها تا چه اندازه در سیاست‌گذاری‌ها اثرگذار باشد، دیگر مستقیماً در اختیار ما نیست و نمی‌توان دقیق سنجید که چه میزان تأثیر داشته‌اند.

ک ارزیابی خودتان چیست، چون به هر حال می‌دانید آنچه پیشنهاد می‌دهید دیده می‌شود یا خیر؟

اگر بخواهم براساس شواهد صحبت کنم، شاید بتوان گفت تا اینجا تأثیرگذاری چندان بالایی نداشته‌اند؛ هرچند گاهی نیز می‌بینیم که برخی اتفاقات یا تصمیمات، کمابیش بر مبنای همان متون و پیشنهادهایی شکل می‌گیرد که ارائه شده‌اند. به هر حال، کاری که ما انجام می‌دهیم همان نقشی است که در سراسر دنیا اندیشکده‌ها ایفا می‌کنند؛ یعنی ارائه تحلیل، پیشنهاد و طراحی برای نهادهای تصمیم‌گیر. گاهی از ما درخواست می‌شود و گاهی نیز خودمان داوطلبانه پیشنهاد می‌دهیم. اما در نهایت، گلوگاه اصلی مسئله در سطح تصمیم‌گیری و اجرای کلان قرار دارد و باید دید در آن سطوح چه تصمیمی اتخاذ خواهد شد.

ک و برای سؤال آخر روی پرسش قبل برویم که به آن پاسخ ندادید: هرچند شما امیدوار هستید که جنگی رخ نمی‌دهد یا معتقدید وقوع جنگ دوباره، محتمل است؟

درباره احتمال جنگ مجدد معتقدم که دونالد ترامپ هم‌زمان به دنبال ایجاد فضای تهدید و ترساندن است و هم این احتمال وجود دارد که واقعا به سمت نوعی درگیری حرکت کند. البته که احتمال وقوع یک جنگ محدود اما شدید را نمی‌توان نادیده گرفت؛ هرچند اینکه این سناریو تا چه اندازه عملیاتی شود، هنوز کاملاً مشخص نیست.